

۱۴۸۱

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۱۳۲

کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

کتاب روایت‌های محمد بن جریر

مؤلف: فضول بن جریر

مترجم

شماره قفسه: ۱۵۶۰۵

۹۱۱۵۱

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷
- ۸
- ۹
- ۱۰
- ۱۱
- ۱۲
- ۱۳
- ۱۴
- ۱۵
- ۱۶
- ۱۷
- ۱۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتاب: لامت علی و غیرت نوری

مؤلف: غفر الله له

مترجم: ۱۵۴۵

شماره قفسه: ۱۵۴۵

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰

Blank pages of a notebook with faint pencil markings and a circular stamp on the left page.

اگر اهل چندی پس رندان عمارتیدی ششمین

۱۵۶۰۵

۹۱۱۵۱

نظم عاشقانه بنده در بو
نظم بر اخیار و خواجه

همراهه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

بنامه در قلیچ
بنامه در قلیچ

در دایتی سیاه روزگارم عشق الیدی لدن خیارم
من بوشم و بوشم باین
فینک من او کجایتی چوخ
ز دن صور او بر ریختن
سویک که غایب و بر ریختن
ای پسر که جان نثار
دید که نه بود ما جو ار
من پسریم غم جگر
آسوده ترا پند نمودن
ملا

پسر که خوش ایدی عالم نه حسن و نه عقیده خیارم
من اسط و جودم اولک
او ملک که غم او کس نیست
من خود بوشم و بوشم باین
میزور دوستی این غم و غم
چون صدقید ایدم کجا غم کیم دولت و صلواتم قوم
سوالدی یو یو آنکس
خبر قیوب سبب حال بو تر یاسم کجا ایدی
بو غم نزل مجنون دیند نذر

فدا عشق کوروم صلاح عقل و دم بنی سو اکو ربیت اتم این صبح که مژده
 من و محرابان با چشم منم که بکس
 از چاک پان و شست شل از این صبح
 ایسردام طلت اولم چون کاشف
 ز عقل و فغانده ایسم دوست
 بی زده مانده عشق تطایر نامورم
 شکایم طعن این کجی فحش
 بجای در عشق و دوست یکن فحش
 خیال بین لطف و طافا بریده و فحش
 از شعله عله نه هم ایسم بر
 اوکل پوه عشق اینده ماسر قید و عنده و بی آخر
 وید

قید کور ب طریق و استیجا بدن انقطاع و لغت
 محرابه دوست کوشش
 در دشت کوه و دشت دیش
 کوز پاشی بکوه کوی
 بارانیه برق چشم و جانان
 در باره تبه لونه
 در باره اولوریدی حجب
 افخایا توری آسمان افخایا آسمان
 این لور اولدی لایا با
 لعل ایلیه کوه و دشت دیش
 هر حله دن خدی بنک
 بر بر توده که بون آیدن
 محرابه دوست قطره آ
 محراب اولوریدی بکلور
 فریده کور دی و شطری
 افخایا توری آسمان افخایا آسمان

یکم آید ای الکنن اختیار یکم آید بی سیر به روزگار
ز سیر به روزگار او بکس نرسد ز روزگار او بکس
در یاد ده من ملاحظه کن بونا زار کباب
ظلمه ای که بوی خوش معطر و روشن و نازک
چون دیدی این بخت از آن روزی که خن و خورند
یکم از بخت و کفایت او را چایه باطل آرزو
یکم در دم سس و دودا که بخت چنانست که بخت
من بپای کلام دو نفر هم کوشش نیاید سوزی و بیدار خوش
و در

دیدی هم آید ای الکنن اختیار یکم آید بی سیر به روزگار
ز سیر به روزگار او بکس نرسد ز روزگار او بکس
در یاد ده من ملاحظه کن بونا زار کباب
ظلمه ای که بوی خوش معطر و روشن و نازک
چون دیدی این بخت از آن روزی که خن و خورند
یکم از بخت و کفایت او را چایه باطل آرزو
یکم در دم سس و دودا که بخت چنانست که بخت
من بپای کلام دو نفر هم کوشش نیاید سوزی و بیدار خوش
و در

کای جهان و نوزید فرزندان ک
 شاهانه ریاست عرب و اعراب و ارباب
 اطوار ملک دوست و دشمن و ارباب
 ابرو و سر خم از اندک ستایم کمان عشاق
 مژگان سیاه بن کوه دل روان و کعبه
 اولت نماند قوت و قوت عین شیر و خوف و غیث
 از یغی کوه و ملک پست و خاکی و سر و پیکر و دال
 کو ملک کوه و ملک پست و خاکی و سر و پیکر و دال
 سر و سن و کلک کوه و سر و سن و کلک کوه
 کوه

این سخن و ملک یک یک و نوزید فرزندان ک
 شاهانه ریاست عرب و اعراب و ارباب
 اطوار ملک دوست و دشمن و ارباب
 ابرو و سر خم از اندک ستایم کمان عشاق
 مژگان سیاه بن کوه دل روان و کعبه
 اولت نماند قوت و قوت عین شیر و خوف و غیث
 از یغی کوه و ملک پست و خاکی و سر و پیکر و دال
 کو ملک کوه و ملک پست و خاکی و سر و پیکر و دال
 سر و سن و کلک کوه و سر و سن و کلک کوه
 کوه

حال قید کو رکھا حاصل فوت ایتمہ ہو مایہ کز قتل
 یقین امید سے نہیں توجہ پری نہیں پاپا ہے
 محبوب ہم ہیں کلام اولم ہیکم سکون کا فہم و فہم
 وار دہر و حشر و بنی قیوم ہر طائفہ کبیرہ کبیرہ
 بار قید لوم تو کلام عرف بنوں بریں زہ اولان فرض
 اس میں کہ قدس بنوں کجا ایب تفر
 یقین ایہ الوم کلام و دل
 سن دویت میں طلاق و تفر
 ہر خط پری تیرے دل
 عاقبت

عشاق مناسنی فلیوبید بوغری خوشن من برادر
 جان دیرم غمشه عاشق افروز عشق وقت جان اولیکه شو جبار
 سودایتم سودای غم غمده کیمیه حاصل دلی غم عشق زار
 هر بار دلی غم قیلا غم غمده کیمیه فصل قصه که بر افیخته جاندار
 یطنه که روز صوریات هوشدار غم غمده کیمیه فصل قصه که بر افیخته جاندار
 عشق بی طره غذاب اوله من افیخته غم غمده کیمیه فصل قصه که بر افیخته جاندار
 یاد اینم که کوز لکده فداؤ ایضا که شاعر غازی التیاز

محزون چه اشتیاقی ویرود بوطرفه جو پیا
 گامی روح روانم اندر نه کام دل جانم آید
 تحقیق ایدم ایتم خطا در جزو سب کوز کجا روا
 الوده زلف دود آید ز کز ایند رو بیاهم
 من خود ایدم بوشیدن گاه
 یو خدیو بواشته اجتناف فبده غنا قشدرم
 عقل اولدی یغنی و تن بکدر خط کزان و یا بجا زب
 ددیتی تن و جلیع تنایر
 بنده و اینجه نیک اولسون بدن بنی استین نه بولسون
 قهرا

تقدیر ایشی بد در تپیر تقدیری ایدر چه کیمه پیر
 اولیدی بکاشا طر ویک
 ارغنه فادر او
 ال بیر کدایا بیخ صلیک یسه اول قتلور کدایغ
 فطرته و حالت اولدیه قوم رخ او لایقند رام معلوم
 اصله الله المیکت
 کیم کل کلن اولدیه زین کل
 کیفیت آب جو هر خاک دیلک که اولور قتلور ایدر
 نطق کندن آبرو رایع او دیندیه بیکه پلور رایع
 اولگون که رجه کلک قدر اچا در ویرودن رایع

چنان غمغمت اولار اوورور اولر دیکه ایاغ دورور
 اورتا بر اخیلر فوجا بر
 اولمندی دولول باب غان جیری و چلی ایدر آسمان سان
 ثار عجب قیلد خردند اول خوارخی آسمان نمن
 بر کیم غرضن جوبولدی خاندن بولکل اولور یی آسمان دن
 غانر کونورلدی منور اولور قمر پلدر دین ایتدی قشمر
 کای قدیر قیلد قیلل سندن قونلدر ایدی کل
 شیم کای عیاندر کلم بونلک اولور
 اوز قیلم سخاوه معروف طوایف عطاوه
 م ۱۱

هم در مجسمه شیر هم وارعدا و قدده تشویر
 سر ز قراول و زنگار کیم یغیر دایم یوز او پلورم
 غن غنم سر دایم سر دایم سر دایم سر دایم
 حالادیم بولکل اولور یی آسمان نمن
 نالو اولور اولور اولور اولور اولور اولور
 چوخ کاندیش شمشیر کیم یغیر دایم یوز او پلورم
 هر کاندی اریچر حقیقه اولور یی آسمان نمن
 لطف ایدغیت و ارم قیل لول اولور اولور اولور
 م ۱۲

قیامت کن و سر و تی بوی اولو کل و سر و سیه ک
 فخرت سوزی غافل
 حاصل و کور بوی کام
 ای که ایام روان
 اول و سوزی غافل
 خسته بنی که ایام
 طغیان و سوزی غافل
 شک و خطا بر خطایک
 نیک و پورم بیک
 بخون و طعن از خلاق
 یل

یل و غم کن و سینه بر سر و کز کز
 دیو ای پری او کور بوی کام
 دیو ایضاً ایام
 تیار و دوزخ بر سر
 یل و سوزی غافل
 اول و سوزی غافل
 عجز و سوزی غافل
 عجز و سوزی غافل
 عقل و آید و اول
 یل و سوزی غافل

ای کجمن فیه بادت مذوق چو اسرار
 ای دایم اول نمونه در این جهان
 لکینه ادرن بجز این زینم کج کوزون آندن
 پو کسیر فین بکس موهله نهان دوش بون
 با اید کس بورد عاشق سیکس بکس موافق
 اولش کایف عشق قتل نمیشد فیض
 شب دوم سر بر جهان پیچیدنی خفا
 قیل بنده بنای عشق دایم
 سال کوکله در عشق دن علم هر خط و هر زمان و هر جودم
 لایق

شمع بکسره در ام شوقم آتور شوقله جبهه دوقم آتور
 هر فنده که عالم پسرم در عشق و عشق
 اندیشه عشقن جبهه قیل عشق بکس
 ادرن بکاشوق دوق قیل و اید کج بنده قیل
 چوقه بین آدم چو کسیر پوند
 اطلعه و بر کاف سر اید سیم نه آرنک عیال
 اول چو کلام
 طیفان بادن ایموب فلان
 بختی دین مردم اینک بکس
 هر حسنک لکین و میدان دور

درین قیومین الکافه شرح ایرادی زیره من توقع

ایرادی محترم

مهرابین انکانو
اول شیار اولون رونه

تعلیم فنیست این حق
فرمانده که ابطال اوتار

مجنون انکا ایوب نمون
بر اولدولر و فیدای

اولدولر و فیدای
اندرین هم ایشتمی عکس اوز

سندی که اوزید هم
دیل مکانی و قوسید

بیشک که بار غایب بودم
ازم بوجهای

عشق اودین کانم ایندی روشن
کای کوششش بیکدیگر

کون

سوز بکرم کند اولدولر انکا جهنت حجت تبارک الله

بر عاشق بکشیدن
در اولدولر است ایشش

سکن کجایم و صراف
دایم اولدولر عاشق

پیدا اید کونسله اوز
در اید کونسله است و پیش

نوکیدی سنگاپورت اوز
غم دانه پایی بیت اولدولر

قنیه دو لیدر کن
دکلدن اولدولر اولدولر

بجرت کوردوم اولدولر
نزد دقلکس و استی

چون اید یوم بود
بردم قوشلوم مدد

چون اید یوم بود
در دولر این انیدی

عزیم امید یاک کوی شریک اوی اوی دین دین

بوجو کنگه الی الله تعالی **و ایها الملکین الکفر**

کوردی که بر اوی ام تویش دایم از آن روز دور است

اولد او خجانی چرخ خدا بر آهوی به پیش کاف

بر آهوی سیر دام اولد قنیلش فراموش کاف

بونی بورولو ایامی غلو ستم کوی به غلو

احواله رحم قندی غول باضری کاتو کیدی سار گلخان

کوی قندی کوب بوی ووشی تویش بدی کاف

رحم ایدو کوی کفر لطف ایدو رحم ایدو کوی

میداد بونما تو از قیام قین حاله رحم از قیام

بیم عن کاف قاف اندر بیکم با حق یکد رسه پشم

میداد دینی بود رسا اطفال و میاله لاله حال

فقد بود صیانت ایسم اهل یک ایدی برک دن دین

مجنون کاوروی جود حق شاد ایدی جان در دین

اول طرفه نکست صبیح کورنور تیری کوی نوز اولدی

یوز اوردی اوزینه قیدی کورنور تیری کوی نوز اولدی

کوی ایدو کرباد پرورد نازک بین نازک پرورد

کوی ایدو کرباد پرورد نازک بین نازک پرورد

ای سبزه چادر دشت رنای من بهار دشت

شماره یمن به
کلی کا دشت رنای من

لنای دوبرایه دشت رنای من

که ای غلبه دوبرایه دشت رنای من

سوزنده سوزنده دشت رنای من

امک شیره ای دوبرایه دشت رنای من

اس دوبرایه دشت رنای من

سوزنده سوزنده دشت رنای من

چون اول شیرین آید آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

انک سپید هم میخ آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

آه هم آه هم آه هم

و در بی گناه و گداز
شغاف و دینه بکوتر
و در بی گناه و گداز
افزوده نیک و بدی در بستان
و در بی گناه و گداز
پادشاه و پادشاهان
و در بی گناه و گداز
بلند و ناز و گداز
و در بی گناه و گداز
ارباب و فایده و گداز
و در بی گناه و گداز
اندوه و ملالت و گداز
و در بی گناه و گداز
کلمه و کلمه و گداز
و در بی گناه و گداز
قیمت و قیمت و گداز
و در بی گناه و گداز
کچند و کچند و گداز
و در بی گناه و گداز
بلند

بشم تو کن و بشما قیصر
کوثر و کم پیش آب و قنبر
و در بی گناه و گداز
کوثر و کم پیش آب و قنبر
و در بی گناه و گداز
پادشاه و پادشاهان
و در بی گناه و گداز
بلند و ناز و گداز
و در بی گناه و گداز
ارباب و فایده و گداز
و در بی گناه و گداز
اندوه و ملالت و گداز
و در بی گناه و گداز
کلمه و کلمه و گداز
و در بی گناه و گداز
قیمت و قیمت و گداز
و در بی گناه و گداز
کچند و کچند و گداز
و در بی گناه و گداز
بلند

بهیند اسلافی کیش یکم آب جانت اولدی
 شمع دل ام دیشم ادا شسته رازدن خبر
 هر طوطی و شمشیر منظره شسته غریب
 به عمر فلوت سن یاقی بزم غریب زنگ آبدن اولوت
 بن سوخته دل دن اوله غافل نیده در ایچه وای پر غم
 بنم سکا بکازم وفاده بکجی غریب زیاده
 سن یکم مننه از سن ازار سن کجی کونم کم
 بنه از نوا از نوا سن کجی کونم کم
 حور نسیم و گل نسیم نوبت غنچه چیده وای
 کونم

کونم وای کونم وای کونم وای کونم وای کونم
 اولدی اولدی اولدی اولدی اولدی
 بزم سکا بکازم سکا بکازم سکا بکازم
 روز غریب غریب غریب غریب غریب
 بن سوخته دل دن اوله غافل نیده در ایچه وای پر غم
 بنم سکا بکازم وفاده بکجی غریب زیاده
 سن یکم مننه از سن ازار سن کجی کونم کم
 بنه از نوا از نوا سن کجی کونم کم
 حور نسیم و گل نسیم نوبت غنچه چیده وای
 کونم

کای طیار اشیا ز عشق کشته است
سکن کن عشق بانه صافی
بر کوه کای یاری جان ویران
خوشه طبع فزاید کوه کای
هر چه از شیشه زدن سس
ملک نام نیک اولوب
کس سیرت بر نکر
دو ز کلاه دست
بر شوی سن شایر
نکته

بخت جان بدست برم چکم غم
چین جانچ اینست
قابی ششم در سس
پادشاه کور دی هم چنان
بیاچ قیوب بخت
پادشاه کور دی هم چنان
خداوند دوشه دی
عزیز چندی دودن و
نکته

کایا دیو بادور ایلی زنده
سعدی شادان
بازون او ما لب یارن کور
یا دین کلور معجیل
حضرت سکا بنده دیندار
بر تافته و تر تبار کوردلر
سیر دام و دردمندان ان صیف
میل امین کم سن تراره و ندره ارادته

من بک خست نام اولم غم سینه تازه بهار طلیح
مهر خورده از رخسار هم قطعا بید و ارم
کرب نهد مو اطف عجب بد در فالوب شال خسته
شب بحر اول تیرین اولدم که اولور دیلین چو در
ایله زدی بونور بیکه یون اولورده ایتنه زار اولور
نغمه کیمیه پرده دار اولور اولیکه نوز او قایسته یوز بیکه شورو
و ایلم کیم پرده دی اولیکه نوز او قایسته یوز بیکه شورو
سینکودی اولکندرم ایله شین چو طلیح
برگون که بهار عالم آری نوقایه اولدی حیات

یلکلی سیریه قلمز بنک پنجه آچدی اول آچلمز
 حرف آیدن شکوفت
 محراب چغیری اول کاج
 قلیب کلبه نرنگ کاج
 تاغ و غدن اوله آزار
 اولن پنجه سیریه کد من
 بوزدن کونوب اول کاج
 کیمیز نیلوس لعل بو اظهاده کونوبی ایغونون
 کاه ایلیون رودلرنا بیره اولدیر هم آوارا
 کاکلر

کاکل کونوب اوغنده حالت شمشاد تور و بلمر چلت
 آتوریشدی بارورون کفن و بیخ کاکلر
 ایرکلب اول پری قنار آچر تروی باسینه بار
 کای لسه دایملک آه
 در کلبه لوم طرفه
 صابون پند نازین اکلر جج اید لوم کونور چکل

حق در بر کرم او زود اولد بر منزه جبر
 نیکو کاران یکن بر او کس را غلبه نیست
 شفا قلوب ایندی از زار غنچه کون ابرو
 ابرو علم ایندی آغاز نه جگر
 ابله شکار کز اسن طاعت بن زار
 درین راه دورق و باران بنی خنده و زجر
 اندر یونوب دم لکم لا غدر غنچه
 سیلاب ابله ایمنه کاسه بن زار
 آک سونی چشم خوف دین و یا راه هم
 ایبار

ای بار دیر به بخا و فاقیل دوشدی سکا
 اول اول یونوب کاره من زار غنچه
 کای طسره کاره من و ای از وی دل
 کل کاره من غنچه عالم سن غنچه
 جان به من کوا تر او کس غنچه
 یان غنچه و کونم چار
 بنیز اسم با ایمنش غنچه
 دینک کایا و لونه غنچه
 هر دو کاره ایله الی معلوم در بکاره

ای مرد در هم دیو او در کافران
 دوستی که من و خاندانم بر سر کج بود
 و شیشه کمالی این موقوفه بود بر سر کج
 باران و سوزش این دریا چرخش
 اولیای عشق را بر سر کج
 ای مرد سواقی و فتنه دار
 کون ذلک است
 در استغاثه این کافران
 هر کس که از این کافران
 عاشق نه روا که اولیای عشق

دو چاشنی که اوید سر از خوف ایامه ام کو
 یار کتب بن ایسم جانم نظر همه چو بوی جانم
 کیم بنده اولان در قفس دل بر دم بجاوه اولیای عشق
 کیوی سس که سر به کار بونیده که اولیای عشق
 در بنا عالمینه بنده خذل قید ایامه بنده در و سس
 کیم یار شال سسندانی نور اولیای عشق
 او پند و هم اسیر قیدم بر یونی ایامه بنده

چند راجاغت و علام بود شری یو ریاچن حاله

[illegible]

234

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

در میشدی حق اولان مرادین نخست بن سلام خوشی
 اولت بهای اوج اقبال
 آه قضیه ای شدی بر و
 بر دالکله آرد و اولک کاه
 بیان و بکند و قادیاب
 ترکب ایندی از نیت شکار
 طرح ایندی بی سیم
 که بطف ابرو غینه و خیر
 انعام ابرین کانی مال
 لکرها

شرط ایله بی اول بنده تتر کیم اوله بو کام دکن
 حرف کینج مال
 چون کلدی بی بود اول پان
 اول شتر و بر کلدی زهره
 چون این صفتی بی پنج
 و پایش کلدی بی
 از جسته نه بر اهری
 آرمیدی و کینج کوه
 قمر ایله زیندی تو از

بر صحرای دودنه نو فصل مجنون کو در کبر

بیت ز قصه جان سپهر
بکین قلوبم زین کبر
بنشینک پناهی و لعل
چون زده بودی غمیکان
شیر باد ز مان
بکیم و ایدید ز غمیکان
تخلیه صاف شد حس
هم عشق یو لیز جوخ دم آیدش
بازده

برنده مثال در مکنون بر کون و قون و زبون

فغانه که بگریز زین
مور دی قشش و کبر
سوز ایوب افروخته
نور غنچه بوی از روی غم
پاکوشه که کور دی غم
اطراف غنچه خوش و طربش
چون دایره سبز
بخواند زبیدی اولو فادور

کافیه در دیوانه کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 ویشی پتورنک نعلک
 ویرانده منیع ایند کافیه
 حال این پتورنک نعلک
 ویرانده منیع ایند کافیه
 دولت ایند کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 غم کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 کلام کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 دانه کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 آه کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 محزون دیر ای کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 چه حق

چو قال حسرتیم ادتی
 اولادی بری بودیوه
 بزاره منیع ایند کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 سوز پتورنک نعلک
 ویرانده منیع ایند کافیه
 دولت ایند کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 غم کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 کلام کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 دانه کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 آه کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 محزون دیر ای کافیه
 ویرانده منیع ایند کافیه
 چه حق

اندویش زمان طعن شمس احوال عدم وجود قیاس
احوال انفسک بکونب زانچه زده اولشیدی خوبه
که از اید اولویدی جو زده و شمس شمس ان و پلو
که استری که از کز و قیاس خفا نه زده و زنده چکان
بلون اولاده قلوب سفار چندی ازین بی کس
و دریندی شیدا اندویش بر سره شمس
چندی بوشا پس و بر سر شمس چون و بر سر
که غایب دایه وی اید بر سر شمس و بر سر
بر شمس انکامین و غمزه اولک شمس
بر

اسیر فکری او را کسیر او را شکر او را و بر سر
که او را شکر او را شکر او را شکر او را شکر
و او را شکر او را شکر او را شکر او را شکر
بر کیم و بر کیم او را شکر او را شکر او را شکر
بر جان فکری او را شکر او را شکر او را شکر
عقد و شمس اید زلات سر خفا نه بر حیات
بلون دیدی بن فکری او را شکر او را شکر او را شکر
چون شمس اید بر سر شمس او را شکر او را شکر
چون دوست سپاسید او را شکر او را شکر او را شکر

[illegible]

٢٤٠

درین بولدی میان ملیشید بیدان سپهره و ولدی
 از کیش عالم و نشانی از بیان لغت و بردی و کیش
 در صفت بر آراوده و دیتی بیرون قوت و پادشاه
 همه طره در این پهن و فیه شکل علی خلیف
 من ایام اول روزگار در شیب سپهر کارزار
 پیش نیکو ده تابش و آفرینش یافت اسیر
 بوزنده بستم نه در ملکیتش این نفس را بجا
 از ملک و اقلیدر بستم نه در ملکیتش این نفس را بجا
 عرض امیدار که ای جهان را بجزو نه نا و لوبت
 از ملک و اقلیدر بستم نه در ملکیتش این نفس را بجا

عرض اعلیٰ دارد که ای جهاندار! مجموعه ناول و بستان

بزبان قیود زانکه این اعدا در دور آنکس دین
 بفرقه ایام زانکه در این دولتخانه بخوار
 نوقر و شستنی او کلاسیه قالدی اول امره اجات
 پختنی کباب نظر را ابتدا عاصی مستبر در
 پختنی کباب اول اول کلام پیشه قیود دعا
 چون و صد اکلین حکم قیود شکر اثر و بر روی میب
 و هم ایتدی کاسکس اول زنده مبارک اولیه فال
 که این کویر بوب در این ایتدی که او کور کباب
 یاد ایتده اسی لیل یون زانکه ایام بون منان
 ۵۰۰

چون رخ چوب بهار دوم شام ایتدی حکم کلام
 فتح اولدی بسیار کینه کینه
 عاقبتی اول کینه کینه
 نیش اولدی ایتدی بسیار کینه کینه
 جان ایتدی کینه کینه کینه کینه کینه
 کبان سوکت کینه کینه کینه کینه کینه
 القه خلاف رزم اول اعدایه سفیر اولدی نوقر
 ایتدی قبول حکم کینه کینه کینه کینه
 نیک ایتدی ایتدی کینه کینه کینه کینه کینه

بجز ایندی ویدی اندر شایسته دل خسرده
چون ایچون ایسه افطربیک
اماره درسم اولور قیام
ایله بوخنده نامنه دور
چون حکمت تو بی پاک
بجز کفری هوایه ویرم
نوفل ویری ای کیش
نفس ویری کفر کفر مط
بنده وستم دکن شام عدل خیره قاتم بنده کیم
بنم

بنم غم غم بوم جبران عاجز لره قیلده قلم خندان
مغابو دکلده غم غم
بیشته سو بار بیک
کور ورم کور نور بو ام
چرا دون اولیم
کلمه کوزده خیال و مال
وار الیک سن این
چون و بی کجایات
مختون در غم غم ایچون اول سرور طم قلم

هر روز که روزگانه او تقسیم این اند او را در چو
 قند و هم می خورد
 مجنون و بی بی را از کاکه کاکه
 کل جنتی نم و آب
 بابک یک اولم کلیم هم این که من اینم
 برین بخت و شپ که در این کایم
 قصه م بود که ایمن بن را او دن او به
 تا که بر او ده او بکن اول نیر او
 بر اولدی که نفع ایش و او یک اسیری قیدی
 نطره

نطره که برب وید چون تو این بنو و زوی
 اول سلسله و لب هم
 من کج پس در این سر است شرف و بلا
 شمع غم زاره لب لب
 بشن آینه دلک و دلک که کلیدی را زبی اعر و شش
 اول شطر خط را به یار
 ازک او سید خانه اول پرده اوله بر رو
 نیتین اول لب خط خط
 مجنون رسی الله اولک او او شش از روی پر

یلے اویند ایرشدی نوبت اول خسته غائب اولدی
 چنانچه اولنده دروشدیکار
 چوین چکیدی برانغیا دراه
 بر آید قیدی یوسنج
 که ری که کو نر از ایش اوزار
 فاشی کجه فاشی بکشت
 بیغم بینه فاشی بکشت
 و به اریده اول
 روزه دل این تیدی ایش بوشوری یه قیدی ایش
 دودج

غسله لیلله ریدن دور
 یوسنج ایتدی ملانده افغنه مرنه مرنه سیدی بیکر
 ایشلر این تریقیدی ایشلر
 یه آه ایشلر یه فن آینه یه کسبه یه یه ایشلر
 به یمن اولدولور دلم و خفا
 یه ایشلر اولدولور کلک کلک
 دالسه ایشلر قیدی قیدی
 بلون یه ایشلر قیدی قیدی
 چکیدی فلک فغان و آهی
 سغانک اولدولور اوجا

سر او دو نوب یانگا پوسند بوشهر در سر و
 کوز فلک سالار برتر از ایام که در خزانیم احوال
 سنی کور ملک معتز کور نوز پنهان بجای کور که دور از دیده
 بهر پیکان خنجر از او دیکه لایق از ایوب جور و خوار و کینه
 الملک او در غیبت کور که در غیبت غم و غم و غم
 و ارم حلقه خنجر از ننگ بر ایوب غم و غم و غم
 غم ایام غم و غم از ننگ بر ایوب غم و غم و غم
 بر خط قلوب بر خنجر از ننگ بر ایوب غم و غم و غم
 با ناز

ز خنجر ایامی پادشاه پادشاه پادشاه پادشاه
 از ننگ سالار برتر از ایام که در خزانیم احوال
 سنی کور ملک معتز کور نوز پنهان بجای کور که دور از دیده
 بهر پیکان خنجر از او دیکه لایق از ایوب جور و خوار و کینه
 الملک او در غیبت کور که در غیبت غم و غم و غم
 و ارم حلقه خنجر از ننگ بر ایوب غم و غم و غم
 غم ایام غم و غم از ننگ بر ایوب غم و غم و غم
 بر خط قلوب بر خنجر از ننگ بر ایوب غم و غم و غم
 با ناز

۱۰۰

در کمال کمال که ای حور سوره ایدی کو زرم رکنی
 او آتیه غلبه جانگیر بوشکه که قلمم خند
 که ز نوین خاک پیر و ارم در نیجه چرخ آب و ارم
 شام نظم بر این کدیر چنانچرخ غیب ز غنایه
 جان بزم غم این کدیر ز غم در غم کدیر
 اول غم و نهال دفع و حاصل او لای غم ز غم و غم
 کل حکایت غم نظم و غم حاصل و نهال دفع و حاصل
 بوی غم و غم و غم و غم و غم و غم و غم و غم

یو ابن ملائک کے لیے رہا۔ اور لہذا یہ کہ وہ دوسرے

کلیسیر کفشدن و کلیر کفشدن

افغانیہ نام انیسویں شوری
ی زلف و شرف

شاه سید داور بن میرزا بیگلر

کودن کی

کتابخانه ملی ایران

سبوی یکدیگر و در این حالت خط استوایی

کتابخانه ملی ایران

دستور داری و بر روی اس. بوی خوش و کافور داری اس
میت

تجدید بخندنا عین بکرم کو کہے ایرونی کید کن کہ

میں نے اس کو فرمایا

مرحومین

[Faint handwritten notes at the bottom of the page]

ایسی جبروتیہ فضا

اول من است و غیر ذوق

اول خیر اول و دوم

من انکم اول نم از لادن صافد بر حلقه و خنجر

187

ای بسجده بوقعد او که حکم بکرم بوحکم اراده منم
کدام کتب غیبی من
در روز قیامت که در روز اولم
ای جان سلام بر او که در روز اولم
مجنون قیامت بر او که در روز اولم
سکرم دل او که در روز اولم
ای که خطا زبانت عظیم
تو را در روز قیامت بر او که در روز اولم
در روز اولم

[illegible]

ایلهدی کسان که او ستر بر او زک بیا به در کسرف

مجلس اول

دوستان من

سنگی پادشاه

سنه ۱۲۹۲

وہی ہے جس نے ان کو

بعضی روز که غمگین بود

کتابخانه

فہمہ راول قادی مضطرب
راہی حسن بو

دینا دیو جھکے
دینا دیو جھکے

جامه که بولار
مغ یوخذ

افقا کا فتح
شہر حلقہ عار

فقد ايلم اما اونه قام
الملك

لیکے ہو کہ وہ قیام رومی اسرار

کو رزوی آنی اوزین لاق یکم طعن ایاده را آنی خلافی

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

[illegible]

اشکال و احوال

اصناف

بسم الله الرحمن الرحيم

تقدیر منوشتہ اور ام

قرمچیه او

تذکرہ

بسم الله الرحمن الرحيم

اولیٰ زینت بیاید
که گزیده دردی کردی

کیم رنی کو
سیرا و لمبیدی
سیرا و لمبیدی

چون در میان مردم
بهر آن دو تنی عروسی می‌کنند

فلت فیاض اولدی
ایلمه کرب اولوب شایسته
کلیه و غل اولدی جمع
سرم و طاعت اینه درشت
میزنجه و نگو ماه پاره
یوزکوخ الله مجرب
یوزماه داجه اولوب
نست کورسجه
یوزکل کبشی اوز و نوظون اولشیدی شایسته چون تخریج

نیش روان یغنه و یله نوب و ننگه
نمطه خان و اده ایه ارسا شسته و نغنه کبش
ایشته ذوق و نیش نیکر بیج و نغنه کبش
چون نیشی جسم ایه ایه و نغنه کبش
کل خلیفه اولدی و نغنه کبش
بش بنده ایله ایله کلامه ایله کلامه
دو خطاب کلامه کلامه
نکوره دی قنبر ایله کلامه
کرم اولدی و نغنه کبش

قرشده هم اول پری دوزخ برت قیال اور
 است بوزن کم یاد هم روزگار بگذرانید
 برچه زمان نقل ای درمان سینه بکمال
 اوله کیس اوله مقصود نین چله بواب
 قطع اوله زبان طش بختین مراد هم
 اول ده هم کانی این خنجر صحرای
 دم ایندی بایره اوله اول نقصان او
 جان نرینه کندن عسرو جانی نقصانک اوله بی کوی
 برسم قید بهمانده سودتیمک اینت زمانده
 جهان

جانین دین خیاره وورک کنج ایستن نرینه دور
 کورسه انک بخت ایست اهدا اول ایضا خان ایست
 وورک وورک بخت ایست بخت ایست بخت ایست
 چون این سلامیم مقصد اول و حله روزی ایندی
 میل اقدیس سطل اوله کاره بخت ایست بخت ایست
 تیر و علاجه وور دی قلم رر و بخت و اوله وور دی ایام
 ۱۸ ده کور دی ایست بخت ایست بخت ایست
 بوزید وفاد از کس خیر کور دیکر و لیونک ایست

صاحب خرفا نه روز بوطر زید قیدی قصه آغاز
 هم و ایدنی پس نیم زیاده رلو و فای عیده قار
 مروف یاد رفتیم کجا مشهور ایدنی میجی هم
 اولیانی ایسا کاره بن پوزیبا و لو یار
 چکری بیست و جاکس سر شدی طالت و کس
 اول عاشق شدی سر زدن میری شایسته یمن
 سیدین کاکمال عشق نه زین کوشه یمن
 یک اده یک لکنده اول شمع ایدنی و لو یار
 مجنون اوزین توره دی غافل رکنه رخ زو شاکه ال
 دلم

دلمش کوزی بکری کوش نطقه یکل و دوش
 بکون دمی ای و فایو یار هم میسند و هم
 بی طکر نه احتلا هر کویه بکری زین خاک
 نلیدی سکا پلزار اولو کس طاعت و بیسار اولو
 عطیه ایدنی بکون کجا اینک بویکا غریب راه
 قاتل بولک ورت اولدی کل نیکو بیب طالت
 زید اول حسن غلام و دوش سوزید ویدی که ای بیس
 دون خرقه اولدی کس ختم اندیشی
 یار ابن سلام روزی اولو روزی سکا در دوشی

v99, 11